

مبانی هنجاری دکتربین امنیت انسانی

حسین شریفی طراز کوهی^۱

جواد مصطفی لو^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

فصلنامه آفاق امنیت / سال نهم / شماره سی و سوم - زمستان ۱۳۹۵

چکیده

لیبرالیسم سیاسی، در ادامه پیشبرد برنامه توسعه خود، با هدف رهاسازی انسان از ترس و نیاز، به ارائه دکتربینی امنیتی رو می‌آورد که با ایجاد تغییر در مرجع امنیت و در نتیجه، محوریت بخشیدن به انسان در مطالعات امنیتی، به دنبال تأمین حداقلی شرایط زندگی برای انسان است که اقتضائات منزلت انسانی او را محقق سازد. دکتربین امنیت انسانی که نخستین بار در اعلامیه چهار آزادی روزولت به گوش جهانیان رسید، در سال ۱۹۹۲ در قالب گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد (UNDP) رسمیت یافت. این دکتربین با معرفی مؤلفه‌های هفت‌گانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، غذایی، زیست‌محیطی، شخصی و بهداشتی بر مبانی هنجاری ویژه‌ای استوار است که تمایز آن را از سایر نظریات امنیتی نمایان می‌سازد. آنچه نویسنده در این مقاله به دنبال تحقق آن است، مطالعه در این مبانی و پاسخ به این سؤال است که «دکتربین امنیت انسانی بر چه مبانی هنجاری‌ای استوار شده است؟».

تحقیقات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد امنیت انسانی در مؤلفه‌های هفت‌گانه خود، ضمن برخورداری از ابعاد گوناگون، بر عناصری از هنجاری‌های بشری تکیه دارد که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. در نتیجه می‌توان امنیت انسانی را دکتربینی قلمداد کرد که متعاقب طرح ایده توسعه، که خود در زمره نسل حق‌های بشری جای دارد و فرایندی برای تحقق کامل حقوق بشر محسوب می‌شود، برای حمایت از حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی تدوین شده و با اتکا بر آموزه‌های مکتب حقوق طبیعی، مبانی خود را در «حق صیانت ذات» و اصول «حیثیت و منزلت انسانی»، «آزادی»، «برابری» و «برادری» جست‌وجو می‌کند.

واژگان کلیدی

هنجار، امنیت انسانی، حقوق بشر، توسعه، توسعه انسانی، مبانی هنجاری، مطالعات امنیتی، حقوق طبیعی

۱. دانشیار روابط بین‌الملل

۲. دانشجوی دکتربین حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

مقدمه

«امنیت» مفهومی توسعه‌نیافته، مبهم، نارسا و جدال‌انگیز، متباین و البته متناقضی را متبادر سازد (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱۷)؛ به طوری که صاحب‌نظران رشته‌های مختلف با در نظر گرفتن مؤلفه‌های متنوع به تعریف مقوله امنیت پرداخته‌اند. با در نظر گرفتن تعاریف مختلف ارائه‌شده در این باره، می‌توان امنیت را به صورت جامع و کلی، تداوم اموری مانند آرامش جسم و روان انسان، همبستگی خانواده، جریان سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی و همچنین تداوم آتی این امور به سمت بهتر شدن تعریف کرد؛ به گونه‌ای که روند موجود و بهبودبخشی به آن از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف مصون باشد (متقی، ۱۳۷۷: ۲۵). امنیت در واقع مفهومی است که جنبه‌های مختلف اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فردی را دربرمی‌گیرد و عنصر تأثیرگذاری بر همه اعمال، رفتار و تصمیم‌گیری‌های انسان به حساب می‌آید (برژینسکی، ۱۳۶۹: ۱۲).

در دوران پساجنگ سرد، مسائل نوین جهانی موجب پیدایش مکاتب و نظریه‌های جدیدی در زمینه مطالعات امنیتی شدند و در نتیجه رویکرد دولت‌ها به مفهوم امنیت را دگرگون کردند و در حالی که در عصر جنگ سرد، امنیت ملی ماهیتی ایدئولوژیک و نظامی داشت، در دوره ۲۰۳۰-۱۹۹۰، امنیت ملی بیشتر تحت تأثیر امنیت غذایی و شغلی و مسائل زیست‌محیطی قرار می‌گیرد و بر مبنای شاخص‌هایی از این جنس تعریف و ارزیابی می‌شود (صادقی، ۱۳۷۶: ۲۰۲). بر این اساس، یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های ایجادشده را می‌توان تغییر مرجع امنیت از دولت به فرد (انسان) و ظهور دکتترین امنیت انسانی دانست. از این رو، به‌رغم سرایت اختلافات دیرین در حوزه مفهومی امنیت به دکتترین جدید، اجماعی نسبی بر سر تعریفی واحد از آن وجود دارد که شامل حراست از هسته حیاتی بشریت در مقابل طیفی وسیع از تهدیدهای نوین و زمینه‌سازی رفاه بلندمدت انسان‌ها می‌شود (UNDP, 1994: 24-25).

در حالی که نظریات سنتی امنیت، با اتکا بر جایگاه بلامنازع دولت در روابط بین‌الملل پرورش یافته بود و تولید روزافزون قدرت، به عنوان یگانه ابزار محافظت از امنیت ملی قلمداد می‌شد، امنیت انسانی بر مبنایی از محوریت انسان تکیه دارد که اعاده کرامت انسانی را به عنوان غایت خود تعقیب می‌کند. با اینکه با گذشت بیش از دو دهه از طرح دکتترین امنیت انسانی، پژوهش‌های نسبتاً فراوانی درباره این دکتترین شده، اما هنوز مبانی آن به درستی ادراک و موضوع مطالعه واقع نشده است. آنچه



در این مقاله دنبال می‌شود، استحصال مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی است تا ضمن برجسته‌سازی نقاط قوت و ضعف آن، بتوان راهبردهای مناسب برای مواجهه با این دکترین را اتخاذ و سایر پژوهشگران را برای مطالعه در این حوزه یاری کرد. برای تحقق این هدف، در بخش اول مقاله به تبارشناسی هنجار در حقوق بین‌الملل می‌پردازیم و نظریه مناسب برای مطالعه دکترین امنیت انسانی را برمی‌گزینیم. در بخش دوم، حقوق بشر را به عنوان مهم‌ترین دستاورد مکتب حقوق طبیعی و لیبرالیسم سیاسی بررسی می‌کنیم و در بخش سوم، به بررسی امنیت انسانی در مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف آن همت می‌گذاریم و عناصر هنجاری آن را استخراج می‌کنیم.

مفهوم‌شناسی هنجار در حقوق بین‌الملل

«هنجار» در فارسی به معنای «راه و روش و طریق و طرز و قاعده و قانون» استعمال شده است^۱ (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۸۳۴). معادل واژه «هنجار»، که خود ترجمه Norm از زبان انگلیسی است (آریان‌پور، ۱۳۷۷: ۳۵۳۱)، در زبان عربی «قاعده، طریق، طریقه، اسلوب، عاده، قانون، سبیل» است^۲ (بوذرجمهر، ۱۳۸۰: ۹۴۷). ترجمه Norm در زبان عربی نیز با معانی مشابه فارسی آن، «نمُوذَج، مِقیاس، قاعِدَه، مِعیار» مورد توجه قرار گرفته است (Al-Wahab, 1988: 207). با توجه به معنایی که لغت‌شناسان برای واژه «قاعده» در معادل‌های فارسی آن در نظر گرفته‌اند،^۳ به نظر می‌رسد متقن‌ترین معنای لغوی که برای «هنجار» می‌توان در نظر گرفت، همان «قاعده» است.

اما «هنجار» در اصطلاح «عموماً در معنایی وسیع، حتی وسیع‌تر از «قاعده حقوقی» مورد توجه قرار گرفته است. یک «هنجار» [در این معنا] استانداردهای رفتاری ... را برقرار می‌سازد [که] مخاطبانی غیر از وکلا و قضات را مورد توجه قرار می‌دهد. هنجارها شامل «احکام سیاست عمومی»^۴ (مانند اینکه تو نباید کسی را به قتل برسانی) و همچنین قواعدی برای معاملات خصوصی (برای مثال: اگر به طرف دیگر پیشنهاد انجام معامله‌ای را بدهی و او بپذیرد، در این صورت الزام قراردادی داری) می‌شود» (Garner, 1995: 597).

۱ هنجار در فرهنگ فارسی عمید نیز در معنایی مشابه مورد شناسایی قرار گرفته و با «راه و روش، طرز و قاعده» معادل است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۹۰۷).

۲ از این رو بهنجار «حسب القاعده، طبق القاعده، طبیعی، عادی» معنا می‌دهد و بی‌هنجار و ناهنجار معادل «بدون قاعده» در نظر گرفته می‌شود.

۳ بدین منظور، رک: (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۵۵۳؛ اتابکی، ۱۳۹۱: ۲۰۶۸).

روسو پاند^۱ با تشریح همین تئوری هنجاری درباره حقوق، آن را «مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری یا هنجارهای تصمیم‌گیری تعریف می‌کند که توسط حکومت با هدف اجرای عدالت برقرار شده یا مورد شناسایی قرار گرفته است. او به یک مفهوم ذومراتب از هنجار باور دارد که از «تو باید از قانون اساسی اطاعت کنی» آغاز می‌شود و با سیر نزولی قوانین، تصمیم‌های قضایی، آیین‌نامه‌ها و به همین ترتیب تا عرف‌های تجاری را که یک دادگاه تشخیص می‌دهد، دربرمی‌گیرد» (Garner, 1995: 598).

در کنار این ادراک موسع، در معنای مضیق خود، «هنجار» به یک قاعده یا استاندارد رفتاری اطلاق می‌شود که توسط اعضای یک گروه مورد پذیرش قرار گرفته باشد. در این معنا، «هنجارها واضح‌تر و مشخص‌تر از ارزش‌ها و آرمان‌ها هستند، اما در مرتبه پایین‌تر از قواعد حقوقی قرار می‌گیرند. آنها اساساً اجتماعی هستند، توسط جامعه آفریده شده‌اند و بیانگر تجویزها و ممنوعیت‌ها هستند. آنها ممکن است قانون را تحت تأثیر قرار دهند یا از آن متأثر شوند» (Walker, 1980: 885).

کلسن^۲ عبارت «هنجار قانونی»^۳ را در معنای «قاعده قانونی»^۴ به کار می‌برد. در فلسفه او «هنجار بنیادین»^۵ یا «هنجار اساسی»^۶ پایه یک سیستم حقوقی را تشکیل می‌دهد (Walker, 1980: 886). گاهی نیز هنجار به معنی «الگو یا استاندارد» که توسط اعضای یک جامعه یا یک گروه بزرگ دیگر، به صورت داوطلبانه یا اجباری مورد پذیرش قرار گرفته و جامعه بر مبنای آن درباره درستی یا نادرستی کسی یا چیزی یا رفتاری قضاوت می‌کند» در نظر گرفته می‌شود و گاهی به «استاندارد واقعی یا استاندارد» که در نتیجه رفتار نوعی یا رفتار متداول یک گروه به وجود آمده است» هنجار اطلاق شده است (Garner, 2009: 1159). هنجار در این معانی موسع و مضیق با مفهوم Rule همسانی انکارناپذیری دارد. Rule به صورت خلاصه «یک استاندارد، رهنمون یا مقررہ استقرار یافته» است. یک اصل یا مقررہ که توسط مرجع ذی‌صلاح به وجود می‌آید و به توصیف و هدایت افعال می‌پردازد (Black, 1979: 1195) «و بدین منظور دستورهایی را صادر می‌کند» (Garner, 2009: 1446). بر این اساس،

1 . Roscoe Pound

2 . Kelsen

3 . Legal Norm

4 . Legal Rule

5 . Grundnorm

6 . Fundamental Norm



قاعده حقوقی، همان هنجاری است که وصف «الزامی بودن» بدان افزوده شده است (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۰۶).

اختلاف در مبنای الزام‌آوری قاعده حقوقی، مکاتب متعددی را در حقوق ایجاد کرده که مهم‌ترین آنها با عنوان «حقوق طبیعی»^۱ و «پوزیتیویسم»^۲ شناخته می‌شود. تعبیر «قانون طبیعی»، «قانون عقلانی» و «قانون الهی» در این مکتب از معنای واحدی پیروی می‌کنند (کانت، ۱۳۹۳: ۲۴). اندیشمندان این مکتب با در نظر گرفتن طبیعت به عنوان مادر حقوق انسان، «حق طبیعی» را حقی می‌دانند که نیاز به توافق با دیگران نداشته باشد (لاک، ۱۳۹۲: ۶۰). آنها برای زایاندان حق فرد از طبیعت به حق بنیادین اولیه او، یعنی حق حیات (منان، ۱۳۹۴: ۱۰۰)، استناد می‌کنند و رابطه با طبیعت را در نظر می‌گیرند. اگرچه اندیشمندان این مکتب در موارد مختلف، نظرهای متفاوتی عرضه داشته‌اند، می‌توان «حق طبیعی» را در قالب «حق صیانت ذات»، «حق زندگی» و «حق آزادی و برابری» عامل وحدت‌بخش آرای ایشان در دوران جدید تلقی کرد (کانت، ۱۳۹۳: ۲۰). در مقابل، از منظر پوزیتیویسم، هنجار حقوقی را می‌توان قاعده‌ای پنداشت که به گونه‌ای مشخص، در شکل قانون، آن را وضع کرده باشند. بر این مبنا، در واقع حقوق وضعی به اراده قانون‌گذار بیش از هر چیز دیگری در مبنای خود اهمیت می‌دهد (شهبازی، ۱۳۹۵: ۳۹). اثبات‌گرایان با کنار نهادن انتزاعات فلسفی، که به عقیده آنان مبنای حقوق طبیعی را تشکیل می‌دهد، تمرکز خود را بیشتر بر متون قانونی مصروف می‌کنند و از تدقیق در صحت یا عدم صحت آنها اجتناب می‌ورزند. در واقع حقوق‌دانان اثبات‌گرا به جای جست‌وجوی مبنای حقوق به نهادهایی می‌پردازند که عینیت دارند و در این میان اراده دولت‌ها را به عنوان مبنای منحصر اعتبار قاعده حقوقی مورد شناسایی قرار می‌دهند (فلسفی، ۱۳۷۰: ۵۳).

دو رهیافت یادشده را می‌توان دو گفتمان اصلی در فرایند هنجارسازی در حقوق بین‌الملل، به ویژه حقوق بین‌الملل بشر، ارزیابی کرد (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۲۲ و ۱۳۳). بر این اساس «ایجاد قاعده حقوق بشر به اعتبار منابع صوری که خود بازتاب اراده صریح و ضمنی دولت‌هاست، یعنی اکتفا به آنچه هست، هر چند واقعی می‌نماید، ولی پدیده‌های اجتماعی از جمله ساخت قاعده حقوق بشر را محصول صرف اراده دولت دانستن، از ساده‌باوری است» (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۳۴). از طرف دیگر، به فراموشی

1 . Naturalism
2 . Positivism

سپردن ماهیت فطری، جهانی و عقلانی این دسته از حقوق و آزاد گذاشتن دست دولت‌ها در این عرصه، راه یکه‌تازی دولت‌ها و گرایش آنها به استبداد را هموار می‌سازد. بر این اساس، هنجارهای حقوقی را باید محصول تعامل هر دو رهیافت مذکور قلمداد کرد که یکی محتوا و دیگری قالب هنجاری را به ارمغان می‌آورد.

حقوق بشر

از آنجا که دکترین امنیت انسانی در مسیر تکامل یکی از حق‌های نسل سوم حقوق بشر، یعنی حق بر توسعه، و در بستر برنامه توسعه ملل متحد^۱ ظهور کرده و از آنجا که حق بر توسعه را متضمن فرایندی از توسعه دانسته‌اند که به تحقق یکایک حقوق بشر، به صورت یکپارچه و با رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر می‌انجامد (سنگوپتا، ۱۳۸۳: ۱۹۰)، توجهی گذرا به حقوق بشر و حق بر توسعه در قوام‌بخشی به مقاله مؤثر خواهد بود.

۱. مفهوم و مبانی حقوق بشر

در فرهنگ حقوقی آکسفورد، حقوق بشر این‌گونه تعریف شده است: «حقوق و آزادی‌هایی که همه ابنای بشر از آن برخوردارند...» (Martine, 2003: 237). کیفیت ادراک از مفهوم حقوق بشر بر قضاوت‌ها در خصوص «حد شمول، مصادیق، تقدم و تأخر یا اولویت‌ها و سلسله مراتب آنها» تأثیرگذار است (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۱۶). بن‌مایه حقوق بشر را انسانیت انسان‌ها تشکیل می‌دهد؛ حقوقی که به اشکال مختلف در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون برای انسان در نظر گرفته شده است. یکی از ویژگی‌های این دسته از حقوق، وابسته نبودن آنها به حمایت قوانین رسمی کشورهاست (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۱۶). به عقیده حقوق‌دانان: «حقوق بشر از زمره حقوقی است که هر کسی از آن حیث که انسان است، از آنها برخوردار است. همه انسان‌ها در این حقوق سهیم‌اند، صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر یا عضو سازمان، یا انجمن خصوصی و عمومی داشته باشد» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۱۷). اولین نتیجه‌ای که وابستگی حقوق بشر به این صفت ذاتی انسان به ارمغان می‌آورد، بالسویه بودن این دسته از حقوق نسبت به همگان و نیز عدم امکان سلب آنهاست (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲: ۱۷). با این حال، حقوق بشر نزد افکار عمومی بین‌المللی ابتدایی منطقی بر اصولی دارد که در مکتب حقوق طبیعی ابداع شده و از جایگاه



معتبری برخوردارند (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). با دقت در آرای علمای علم حقوق، می‌توان اصل حیثیت و کرامت انسانی، اصل آزادی، اصل برابری و اصل برادری را به عنوان اصول پایه‌گذار قواعد حقوق بشر در نظر گرفت (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۰: ۱۱۶؛ هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۳۰-۲۱۲). نبرد ایدئولوژیک بین غرب و شرق موجب رقم خوردن نسل‌های دوگانه حقوقی بشر شد که نسل اول به «حقوق مدنی و سیاسی» و نسل دوم به «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» اختصاص پیدا می‌کرد. همگرایی بین این دو نسل از حقوق، با تلاش‌های جامعه بین‌المللی، دوباره در نسل سوم حقوق بشر محقق شد.

۲. حق بر توسعه در نسل سوم حقوق بشر

نسل سوم حقوق بشر، توده‌های مردم را مورد توجه قرار می‌دهد و حل و فصل چالش‌هایی مانند حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در دوره بعد از دو جنگ جهانی، نابرابری‌های اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته و نیز حفاظت و بقای محیط زیست را فارغ از مشارکت توده‌ها امکان‌پذیر نمی‌داند. در واقع شکل‌گیری حقوقی مانند حق بر توسعه، حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم، حق بر ارتباطات، حق مردمان بومی و ... موجب شناسایی حقوق همبستگی و برادری^۱ شده که در نتیجه، برای توده‌های مردم در اداره روابط بین‌الملل و تحقق حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی نقش حیاتی قائل است. در واقع، حقوق همبستگی نتیجه انکار صریح دولت-ملت و عدم کفایت آن در تأمین انواع حقوق بشر در نیمه قرن بیستم است (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۲۲۴). بر این مبنا، مصادیق حقوق همبستگی را این‌گونه برشمرده‌اند (ساعد و کیل و عسگری، ۱۳۹۱، ۵۰-۸۲): حق توسعه^۲، حق مردم در تعیین سرنوشت خویش^۳، حق صلح^۴، حق محیط زیست سالم^۵، حق میراث مشترک بشریت^۶، حق کمک‌های بشردوستانه^۷، حق ارتباطات^۸.

- 1 . Solidarity
- 2 . The Right to Development
- 3 . The Right of People to Self Determination
- 4 . The Right to Peace
- 5 . The Right to Healthy Environment
- 6 . The Right to the Common Heritage of Mankind
- 7 . The Right to Humanitarian Assistance
- 8 . The Right to Communication

در این میان، حق بر توسعه، به عنوان پایه و محور حقوق همبستگی (مولایی، ۱۳۸۹: ۳۱۷)، جزئی از حقوق بشر و یک حق اساسی است که آزادی، پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان‌ها را تضمین می‌کند (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴). این حق، متضمن روندی خاص است که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی‌های عمومی به صورت یک مجموعه به هم پیوسته قابلیت تحقق می‌یابد. «حق به توسعه، مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که دربرگیرنده هر دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی [و نیز] حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و در جست‌وجوی عدالت متعالی، از ظرفیت‌ها در دو میثاق فراتر رفته و آزادی پایدار هر انسان و همه انسان‌ها را طلب می‌کند و از این رو یک حق جهت‌دار و عدالت‌محور است. جوهر حق به توسعه در مشارکت آزاد، مؤثر و کامل و هدفمند همه انسان‌ها، دولت‌ها، بازیگران مناسبات اجتماعی و اقتصادی برای تحقق عدالت، نهفته است» (مولایی، ۱۳۸۹: ۳۱۸). «اعلامیه راجع به حق توسعه»^۱ در بند ۱ از ماده ۱ خود، این حق را چنین تعریف می‌کند: «حق توسعه، یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد انسان و همه مردم استحقاق مشارکت، سهم‌شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دارند، به نحوی که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابند.»

گذر زمان، مفهوم ثانویه‌ای برای حق بر توسعه ابداع کرد که سعی در اصلاح نگاه سنتی داشت و بازگشت به مفهوم اصیل توسعه را دنبال می‌کرد. در نتیجه این تحولات، توسعه انسانی^۲ در اعتراض به رویکردی از توسعه مطرح شد که مفهوم کسب درآمد بیشتر (افزایش سرانه تولید ناخالص ملی (GNP)) را از توسعه ادراک می‌کرد و در حالی که افزایش تولید کالا و خدمات صرفاً می‌توانست یک ابزار تحقق اهداف توسعه باشد، آن را به عنوان غایت توسعه در نظر می‌گرفت. «درون‌مایه اصلی این مفهوم نوین آن است که توسعه باید چیزی بسیار بیشتر از افزایش درآمد و ثروت باشد. کانون توجه توسعه باید انسان باشد و هدف‌های عمده‌ای چون کاهش بنیادی فقر و امکان برخورداری عادلانه از فرصت‌های اقتصادی را دنبال کند» (گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۵). توسعه در این معنا «از دو بعد برخوردار است: [اول] تحصیل استعداد‌های انسانی، مانند سلامتی، علم و مهارت‌های بهبودیافته؛ [دوم] به کارگیری استعداد‌های حاصل‌شده برای رفاه، اهداف تولیدی یا فعال بودن در رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی. اگر شاخص‌های توسعه انسانی نتوانند به خوبی این دو جنبه را با

1 . Declaration on the Right to Development
2 . Human Development



هم متوازن کنند، ناکامی شایان توجهی برای انسان به ارمغان خواهد آمد. بر مبنای این برداشت از توسعه انسانی، به وضوح درآمد فقط یکی از مؤلفه‌هایی است که مردم باید داشته باشند. اگرچه مؤلفه مهمی تلقی می‌شود، اما این جمع کل زندگی آنها نیست. از این رو، توسعه بیشتر از صرف افزایش میزان درآمد و سلامتی تلقی می‌شود. تمرکز آن باید روی مردم باشد» (UNDP, 1990: 10).

متعاقب طرح برداشت‌های نوین درباره توسعه، که انسان را در محوریت توسعه تعریف می‌کرد و لزوم تغییر در رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با آن حوزه را یادآور می‌شد و شاخص‌های جدیدی را برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها ارائه می‌کرد، مفهوم امنیت نیز دست‌خوش تغییراتی شد، نقطه ثقل سنتی خود را از دست داد و هویت جدیدی یافت. بر این مبنا «مفهوم امنیت باید از تأکید انحصاری بر امنیت ملی به تأکید بیشتری بر امنیت مردم، از امنیت بر مبنای تسلیحات به امنیت با ابتننا بر توسعه انسانی و از امنیت سرزمینی به امنیت غذایی، شغلی و زیست‌محیطی تغییر یابد» (UNDP, 1993: 2). در نتیجه ایده «امنیت انسانی» برای نخستین بار در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۳ برنامه عمران ملل متحد مطرح شد و در گزارش سال بعد مورد تبیین قرار گرفت.

دکترین امنیت انسانی

۱. مفهوم‌شناسی امنیت انسانی

هدف امنیت انسانی محافظت از گوهر حیات^۱ انسان از تهدیدهای مهم و هموار کردن مسیر شکوفایی و کمال وی است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۱۸). مفهوم امنیت انسانی بر حفاظت افراد - به عنوان مرجع امنیت، هدف نهایی صلح و ثبات بین‌المللی - تأکید دارد (Fuentes and Rojas, 2005: 20). این رویکرد، گاهی تهدید را از جانب دولت می‌داند و گاهی آن را خارج از چارچوب دولت‌ها، مانند عوامل طبیعی و زیست‌محیطی، مورد شناسایی قرار می‌دهد. در دکترین امنیت انسانی، فرد انسان نه به عنوان یک تبعه یا یک شهروند، بلکه فی‌نفسه و از آن رو که انسان است، اهمیت می‌یابد (UNDP, 1995: 229-236). در همین راستا، در سال ۱۹۹۵، کمیسیون حکمرانی جهانی در گزارشی با عنوان «همسایگی جهان ما»^۲ بر این نکته تأکید ورزید که مفهوم امنیت جهانی باید

1 . Vital Core

2 . Our Global Neighborhood

فراتر از تمرکز سنتی بر امنیت دولت‌ها دیده شود و به سمت امنیت انسان‌ها و امنیت کره زمین گسترش یابد (The Commission on Global Governance, 1995: 338).

کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۰۳، امنیت انسانی را «محافظت از آزادی‌های اساسی انسانی و آزادی‌هایی که برای حیات انسان ضروری هستند» تعریف می‌کند. در این معنا «امنیت انسانی همچنین به معنی محافظت از مردم در برابر تهدیدهای شدید و گسترده و استفاده از فرایندهایی است که توانایی آنها را افزایش می‌دهد». به عقیده این کمیسیون، «امنیت انسانی» مکمل امنیت ملی و تقویت‌کننده حقوق بشر و توسعه انسانی است. این کمیسیون با ترکیب مفاهیم آزادی از نیاز و آزادی از ترس، بر فردمحور بودن امنیت انسانی و لزوم پاسخ گسترده و همه‌جانبه (توسط افراد، دولت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی منطقه‌ای و جهانی) به تهدیدهای نوین تأکید کرده است (CHS: 2003). ساداگو اوگاتا،^۱ کمیسر عالی سابق سازمان ملل در امور پناهندگان نیز معتقد است که اصلی‌ترین تعریف و ویژگی امنیت انسانی، زندگی همه افراد در صلح و امنیت کامل (عدم تبعیض، استقلال قوا، حاکمیت قانون و برابری اجتماعی) است. در کنار این تعاریف، مفهوم امنیت انسانی با عنوان «آزادی از نیاز» توسط ژاپن و با عنوان «آزادی از ترس» توسط کانادا، نروژ و اعضای شبکه امنیت انسانی (HSN) ترویج شده است (Shinoda, 2007; Dedring, 2008).

با در نظر گرفتن تعاریف مختلفی که در خصوص امنیت انسانی ارائه شده و با توجه به هدف غایی این نظریه در تأمین امنیت (McCormack, 2007: 82)، می‌توان امنیت انسانی را دکتروینی دانست که مردم‌محور است و در مقابل امنیت ملی به شأن انسانی نظر دارد. نتیجه فهم پویا از تهدیدهای جدید ناشی از جهانی شدن است، جهان‌شمول است و وجوه مختلف زندگی همه بشریت را مورد توجه قرار می‌دهد (McCormack, 2007: 79).

۲. تاریخچه امنیت انسانی

اگرچه عمده محققان و صاحب‌نظران حقوق و روابط بین‌الملل معتقدند محبوب‌الحق^۲ با تنظیم گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) در سال ۱۹۹۴ مبدع مفهوم «امنیت انسانی» بوده است، اما ابداع این مفهوم را نمی‌توان به این

1 . Sadako Ogata

2 . Mabub ul Haq



گزارش نسبت داد. در سال ۱۹۴۱، روزولت در کنگره آمریکا ترسیم جهانی بر اساس چهار آزادی اساسی را خواستار شده بود: «آزادی بیان، آزادی عبادت، آزادی از ترس و آزادی از نیاز». با وجود این، توسعه نظری مفهوم امنیت انسانی به اواخر دوران جنگ سرد و تحولات نظام بین‌الملل بازمی‌گردد که موجب شد تهدیدهای نوینی در عرصه بین‌المللی پدیدار شوند که راه‌های مقابله با آنها در ساختارهای قانونی موجود آن زمان پیش‌بینی نشده بودند (Chen & Narsimhan, 2002).

در سال ۱۹۹۲ پطرس غالی،^۱ دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در «برنامه‌ای برای صلح»^۲ برای نخستین بار در تاریخ سازمان ملل به طور صحیح به مفهوم امنیت انسانی اشاره و آن را بخشی از وظایف بین‌المللی در راستای دیپلماسی پیشگیرانه برقراری و تداوم صلح و بازسازی پس از درگیری بیان کرد. وی خواستار رویکردی یکپارچه به امنیت انسانی برای رسیدگی ریشه‌ای به علل تنش‌ها و بحران شد.^۳

در سال ۱۹۹۴ محبوب الحق^۴ به بسط مفهوم امنیت انسانی پرداخت و تحقق آن را تنها از طریق «توسعه» امکان‌پذیر دانست. از این پس، امنیت انسانی در قالب مؤلفه‌های هفت‌گانه، انسان را در کانون ملاحظات خود قرار داد و بدین ترتیب، وارد مذاکرات سیاسی و دیپلماتیک شد. در سال ۱۹۹۸ دولت ژاپن به رهبری نخست‌وزیر کیزو اوباشی تعریفی جامع‌تر از مفهوم امنیت انسانی ارائه کرد که مبتنی بر «ارزش‌های آسیایی» و «رهایی از نیازمندی» بود (Obachi, 1998) و در سال ۱۹۹۹ کانادا از تشکیل شبکه امنیت انسانی^۵ متشکل از ۱۳ کشور «همفکر»^۶ حمایت کرد.^۷ کوفی عنان،^۸ دبیر کل وقت سازمان ملل نیز در سال ۱۹۹۹ در بیانیه موسوم به بیانیه هزاره^۹ خواستار توجه به تعابیر «رهایی از ترس» و «رهایی از فقر و نیاز» شد. در سال ۲۰۰۰

1 . Boutros-Boutros Ghali

2 . An Agenda for Peace

3 . <http://www.cfr.org/peacekeeping/report-un-secretary-general-agenda-peace/p23439>

4 . Mahbub Ul Haq

5 . Human Security Network (HSN)

6 . like-minded countries

7 . <http://www.humansecuritynetwork.org/> ;

این کشورها عبارت بودند از: اتریش، کانادا، شیلی، کاستاریکا، یونان، ایرلند، اردن، مالی، هلند، نروژ، سوئیس، اسلونی و تایلند همراه آفریقای جنوبی در نقش ناظر. ر.ک: - <http://walterdorn.net/23-human-security-an-overview#t4>.

8 . Kofi Annan

9 . 1999 Millennium Declaration

نیز کوفی عنان اهداف توسعه هزاره را اعلام کرد که این اهداف در واقع سعی داشتند امنیت انسانی را دامنه‌دار و آن را قابل سنجش کنند. با ورود به قرن بیست و یکم و هزاره سوم، ژاپن و کانادا تلاش‌های خود را برای استفاده از دکترین امنیت انسانی افزایش دادند و بدین ترتیب، در سال ۲۰۰۱ کمیسیون امنیت انسانی^۱ به صورت مستقل و با حمایت ژاپن^۲ تأسیس شد. گزارش سال ۲۰۰۳ این کمیسیون، با عنوان «وضعیت کنونی امنیت انسانی»^۳ امنیت انسانی را به نفع عموم مردم می‌دانست و کشورها و جوامع بین‌المللی را ملزم می‌کرد برای حفاظت و حمایت از مردم گرفتار و قدرت بخشیدن به آنها با هم همکاری کنند (Tadjbakhsh, 2013: 52).

سال ۲۰۰۴، سال بسیار مهمی در کاربرد عملی دکترین امنیت انسانی بود. در این سال، کمیسیون امنیت انسانی^۴ زیر نظر دبیرخانه سازمان ملل متحد تأسیس شد. اتحادیه اروپا نیز در این سال با بررسی دکترین امنیت انسانی، رویکرد خود را نسبت به این مفهوم اعلام کرد و متعاقباً گروه مطالعاتی اروپا درباره قابلیت‌های امنیتی، امنیت انسانی را به عنوان دکترین امنیتی اتحادیه اروپا پیشنهاد کرد. در سال ۲۰۰۳، راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا مبتنی بر «امنیت انسانی» توسط شورای اروپا تصویب شد و تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، بحران‌های منطقه‌ای، دولت‌های شکننده (فرومانده) و جرایم سازمان‌یافته، به عنوان مهم‌ترین تهدیدها علیه اروپا مورد شناسایی قرار گرفتند.^۵

در سال ۲۰۰۵ کوفی عنان در طرحی که با عنوان گزارش «آزادی بیشتر، به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه»^۶ و برای انجام اصلاحات در سازمان ملل ارائه کرد، هر چند به صورت مستقیم به عبارت امنیت انسانی اشاره نکرد، اما سه عنصر تشکیل‌دهنده آن یعنی «رهایی از ترس»، «رهایی از نیازمندی»، «امکان زندگی سربلند (پرکرامت)» را مضمون اصلی گزارش خود قرار داد. در بند ۱۴۳ سند اجلاس سران سال ۲۰۰۵ که در مجمع عمومی ارائه شد، بر بحث و گفت‌وگو در سازمان

1 . Commission on Human Security (CHS)

2 . http://www.mofa.go.jp/policy/human_secu/commission/

3 . Human Security Now

4 . Human Security Unit (HSU)

5 . www.lse.ac.uk/internationalDevelopment/research/CSHS/humanSecurity/barcelonaReport.pdf

6 . In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for All



ملل برای تعریف دقیق‌تر امنیت انسانی تأکید شد.^۱ از این پس، سازمان ملل به طور جدی‌تری به دکترین امنیت انسانی توجه نشان داد. در سال ۲۰۰۶ سازمان ملل نهادی به نام «دوست‌داران امنیت انسانی»^۲ به ریاست مشترک مکزیک و ژاپن و متشکل از ۳۴ کشور مختلف تأسیس کرد. در تابستان ۲۰۰۸ نیز مجمع عمومی طی جلسه‌ای^۳ خواستار مباحثه کشورهای مختلف در حال توسعه و توسعه‌یافته درباره مفهوم امنیت انسانی شد. برگزاری کنفرانس توسعه پایدار^۴ و اعلام اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۱۵،^۵ از اقدامات دیگر سازمان ملل در این زمینه بود.

۳. عناصر هنجاری مؤلفه‌های هفت‌گانه امنیت انسانی

برای دستیابی به مبانی هنجاری امنیت انسانی، لازم است ابتدا مؤلفه‌های هفت‌گانه این دکترین را مطالعه و بررسی کنیم، بعد از ذکر ابعاد هر یک از این مؤلفه‌ها، عناصر هنجاری هر یک از این ابعاد و مؤلفه‌ها را استخراج و اسناد بین‌الملل حاوی آنها را بازگو کنیم. در نهایت با توسل به نوع این هنجارها و اسناد حاوی آنها قادر به استحصال مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی خواهیم بود.

الف) امنیت اقتصادی

– مفهوم امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی، که امروزه مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی را به خود اختصاص داده، از دیدگاه رابرت ماندل عبارت است از «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات و هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور بازارهای بین‌المللی» (Mundell, 1999: 107). از دیدگاه بوزان نیز امنیت اقتصادی عبارت است از «نظم بین عوامل اساسی تهیه نیازهای معیشتی انسان یعنی منابع اولیه تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه به طوری که نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از نبود یا حتی احتمال نبود این ضروریات

- 1 . United Nations, A/RES/60/1, 2005 World Summit Outcome, Sixtieth Session
- 2 . Friends of Human Security (FHS)
- 3 . UN General Assembly: Thematic Debate on Human Security
- 4 . The United Nations Conference on Sustainable Development (UNCSD)
- 5 . اهداف توسعه پایدار (Sustainable Development Goals (SDGs)) مجموعه‌ای از اهداف هستند که به آینده مربوط می‌شوند. این اهداف توسط سازمان ملل تعریف و به عنوان اهداف جهانی برای توسعه پایدار ترویج شده‌اند. آنها به جای اهداف توسعه هزاره که در پایان سال ۲۰۱۵ منقضی شد، جایگزین شدند. اهداف توسعه پایدار از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۳۰ اجرا می‌شوند. هدفه هدف اصلی و ۱۶۹ هدف خاص برای آن اهداف اصلی وجود دارد.

احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آنها سلب نشود» (Akhavan Kazemi, 2008: v. 29,186). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) امنیت اقتصادی را توانایی افراد، خانوارها و جوامع در پوشش دادن نیازهای ضروری‌شان به شکلی پایدار و عزتمندانه تعریف می‌کند. این تعریف می‌تواند با توجه به نیازهای جسمی، محیطی و استانداردهای فرهنگی غالب تغییر کند. غذا، سرپناه، پوشاک و بهداشت مناسب و همچنین هزینه‌های مرتبط با تهیه همه این موارد از جمله نیازهای ضروری هستند (ICRC, what is economic security, 2015). در جمع‌بندی این تعاریف و با توسل به غایتی که امنیت انسانی به دنبال تحقق آن است، می‌توان امنیت اقتصادی را «داشتن یک حداقل درآمدی تضمین‌شده» تعریف کرد، خواه این درآمد ناشی از کار باشد و خواه ناشی از منابع عمومی (تیگراشتروم، ۱۳۸۹: ۳۸).

– ابعاد و عناصر امنیت اقتصادی

برای امنیت اقتصادی دو بعد «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد» را می‌توان در نظر گرفت که اولی در سطح بنگاه‌های اقتصادی حقیقی و حقوقی، و دومی برای آحاد مردم تعریف می‌شود (محمود آبی، ۱۳۹۰: ۸۷). اما از آنجا که این مؤلفه در بستر «امنیت انسانی» بر محور حداقلی از «درآمد تضمین‌شده» مورد توجه قرار گرفته است، صرف‌نظر از بعد اول، بعد دوم را به عنوان مفهوم مختار امنیت اقتصادی بررسی می‌کنیم.

«امنیت اشتغال و درآمد» در مفهوم طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه، در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی شناخته می‌شود (محمود آبی، ۱۳۹۰: ۸۷). امنیت اقتصادی، از این حیث و در سطح فردی، با مفهوم جامع «کار» ارتباطی عمیق دارد؛ زیرا شرایط زندگی انسان‌ها با کار آنها پیوند خورده است. بر این اساس، برنامه اجتماعی-اقتصادی دفتر جهانی کار^۱، هفت گونه از امنیت مربوط به کار را که باید توسط دولت‌ها، کارفرمایان، اتحادیه‌ها و دیگران مورد پیگیری قرار گیرد، مشخص کرده است: (سیف، ۱۳۸۹: ۸)

الف) امنیت بازار کار: زمانی ایجاد می‌شود که فرصت‌های مناسب برای اشتغال و درآمدزایی کافی وجود داشته باشد.

ب) امنیت اشتغال (تضمین شغلی): یعنی حفاظت در برابر از دست دادن کار درآمدزا؛



ج) امنیت شغل: امنیت شغل وجود طبقه‌بندی مشاغل برای جلوگیری از جابه‌جایی مشاغل را مورد توجه قرار می‌دهد.

د) امنیت کار (امنیت شرایط کار): چتر حمایتی خود را بر سر کارگران در برابر خطرهای شغلی، بیماری‌ها و صدمات که بخش جدانشدنی کار هستند، می‌گستراند.
 ه) امنیت مهارت شغلی: به دسترسی کارگران به آموزش‌های پایه و همچنین آموزش حرفه‌ای به منظور توسعه ظرفیت‌ها و دست یافتن به شرایط مورد نیاز برای مشاغل با ارزش اجتماعی و اقتصادی اطلاق می‌شود.
 و) امنیت درآمدی: نشان‌دهنده درآمد واقعی و مورد انتظاری است که یا نقداً به افراد پرداخته می‌شود یا به اشکال مختلف دیگر.

ز) امنیت نمایندگی: اتحادیه‌های صنفی مستقل شکل معمول اعطای امنیت نمایندگی را مجسم می‌سازند (ILO Socio-Economic Security Programme, 2004: 14).

بر این اساس می‌توان عناصر هنجاری متعددی را که «امنیت اقتصادی» در معنای نوین خود، در واقع برای تضمین استیفای آنها حیات یافته و این عناصر در بسیاری از اسناد بین‌المللی، به خصوص میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج شده‌اند، به شرح زیر برشمرد:

الف) حق برخورداری از منابع و ثروت‌های طبیعی و به عبارت دیگر، حق بهره‌مندی از وسایل معاش؛^۱

ب) حق برابری در برخورداری از حقوق اقتصادی؛^۲

ج) حق کار کردن؛^۳

د) حق انتخاب آزاد شغل؛^۴

د) حق برخورداری از شرایط عادلانه و مساعد کار که خود شامل «حق مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز»، «حق برخورداری از مزایای کافی»، «حق ایمنی و بهداشت کار»، «حق برخورداری از تساوی فرصت ارتقای شغلی» و «حق برخورداری از استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعت کار و مرخصی ادواری با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی» می‌شود.^۵

۱ . بند ۲ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲ . بند ۲ ماده ۲ و ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۳ . بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند ۱ قسمت هـ ماده ۵ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی؛ بند الف ماده ۱۱ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ بند الف ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۱۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم

۴ . بند ۱ قسمت هـ ماده ۵ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی؛ بند ج ماده ۱۱ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ بند الف ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۵ . ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند ۱ قسمت هـ ماده ۵ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی؛ ماده ۱۱ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ بند الف ماده ۲۴ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱؛ بندهای ب و ج ماده ۲۳ و ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۱۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم

ه) حق تشکیل اتحادیه، آزادی سندیکایی و اعتصاب؛^۱

و) حق برخورداری از تأمین اجتماعی؛^۲

ز) حق داشتن سطح رفاه کافی شامل خوراک، پوشاک و مسکن.^۳

در سایه این دسته از حقوق بشری اقتصادی می‌توان یک «حداقل درآمد» را برای انسان‌ها تضمین کرد و رهایی از ترس و نیاز را در حوزه اقتصادی به آنها نوید داد. بر این اساس، این درآمد می‌تواند ناشی از کاری باشد که انسان‌ها خود به آن مبادرت می‌ورزند یا در صورت عدم امکان دریافت درآمد ناشی از کار، از طریق یک منبع عمومی تأمین شود (تیگراشتروم، ۱۳۸۹: ۳۸)؛ همان‌طور که در مجموعه حق‌های یادشده هم از حق بر اشتغال سخن به میان آمد و هم از حق بر تأمین اجتماعی.

ب) امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی، که در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر برای همه انسان‌ها، به عنوان عضوی از اجتماع به رسمیت شناخته شده است، شامل پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و آداب و رسوم است (Saleh, 2010: 231). ویور^۴ امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدهای واقعی و محتمل تعریف می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۱-۶۲). بوزان^۵ بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که یک نیروی بالقوه یا بالفعل به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، معطوف جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌شود که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (نویدنیا، ۱۳۸۴: ۶۵). در مجموع می‌توان امنیت اجتماعی را این‌گونه تعریف کرد: «امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدها و در تعامل با دولت، نهادها و جوامع دیگر و نیز توانایی

۱. ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند هـ ماده ۱۱ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ بند ب ماده ۲۴ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱؛ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳. ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

4 . Waever

5 . Buzan



حفظ] وضعیت اجتماعی [در مسیر] ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه است» (محمود آبی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). برای امنیت اجتماعی ابعاد دوگانه «هویت فرهنگی» و «عدالت اجتماعی» را می‌توان برشمرد که هر یک از این ابعاد دربرگیرنده عناصری از هنجارها هستند.

- هویت فرهنگی

مهم‌ترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است که در تحقق این امر، دو عنصر «تعریف ما از خود و دیگران» نقش‌آفرینی می‌کند. نکته درخور توجه در این خصوص آن است که هویت، در هر سطحی، در مقابل «غیر» مطرح می‌شود. هویت وجه تمایز بین «ما» با دیگری و احساسی است که تعلق فرد به یک کشور، جامعه و مجموعه خاص را نشان می‌دهد. تاریخ مشترک، منافع مشترک و سرنوشت مشترک از جمله وجوه این هویت را تشکیل می‌دهد و موجب پیوستگی و همراهی اعضای یک جامعه با یکدیگر می‌شود. برخورداری از هویتی منسجم سبب می‌شود فرد نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود، موضع واحدی را با در دست داشتن معیارهای واحد پیش بگیرد (نویدنی، ۱۳۸۲: ۶۳). هویت فرهنگی در قالب هنجارهای بشری در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و تعهداتی را بر دولت‌ها تحمیل کرده است. این هنجارها را همراه اسناد حاوی آنها می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- الف) حق تعیین سرنوشت (حق خودمختاری)؛^۱
- ب) حق آزادی فکر، وجدان و مذهب و بیان؛^۲
- ج) حق تشکیل آزادانه خانواده؛^۳
- د) آزادی والدین یا سرپرستان در آموزش و پرورش اطفال مطابق اعتقادات خود؛^۴
- ه) حق شرکت در زندگی فرهنگی؛^۵

۱ . بند ۱ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند ۱ ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۲ ماده ۱ منشور ملل متحد؛ اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها بر اساس منشور ملل متحد؛ رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نامیبیا (۱۹۷۱)؛ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه صحرای غربی (۱۹۷۵)؛ اعلامیه اعطای استقلال به کشورها (۱۹۶۰)؛ تفسیریه کمیسیون حقوق بین‌الملل بر ماده ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات

۲ . مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۳ . بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۴ . بند ۳ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۵ . قسمت الف بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

(و) حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و حق حمایت از حقوق معنوی؛^۱
(ز) حق اقلیت‌ها در برخورداری از فرهنگ خاص خود؛^۲

– عدالت اجتماعی

دیوید هیوم معتقد است که عدالت تدبیر متعارف برای حفظ امنیت و نظم اجتماعی با حل اختلاف بین افرادی است که ادعاهای سازش‌ناپذیر بر سر منابع نه فراوان بلکه کمیاب دارند (Compbell, 2001: 16). در همین معنی، عدالتی که پشتوانه قانون را همراه داشته باشد، علاوه بر اینکه افراد را از آسیب رساندن به یکدیگر باز می‌دارد، باعث حذف سلطه و سرکوب در جامعه می‌شود که بزرگ‌ترین عامل ناامنی در جامعه به شمار می‌آید (دهقانی فیروزآبادی، سرخیل، ۱۳۹۳: ۸۱). روی دیگر سکه آن است که بی‌عدالتی می‌تواند ریشه ظهور خشونت در جامعه باشد و زمینه بروز ناامنی‌های اجتماعی را فراهم کند (دهقانی فیروزآبادی، سرخیل، ۱۳۹۳: ۸۱). امنیت انسانی در بعد اجتماعی خود، هنجارهایی را هدف حمایت خود قرار می‌دهد که می‌توان آنها را این‌گونه برشمرد:

الف) حق برابری؛^۳

ب) حق آزادی؛^۴

ج) حق تأمین اجتماعی؛^۵

د) حق داشتن سطح زندگی کافی؛^۶

ه) حق فراغت از گرسنگی؛^۷

ز) حق آموزش و پرورش؛^۸

۱. قسمت‌های ب و ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۲ و سایر مواد اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی (قطعنامه ۴۵/۱۳۷، ۱۹۹۲)؛ مواد ۱ و ۲ و موادی دیگر از کنوانسیون ۱۹۹۵ شورای اروپا در خصوص حمایت از اقلیت‌های ملی؛ گزارش سال ۲۰۰۱ کمیسر عالی سازمان امنیت و همکاری اروپا درباره حقوق اقلیت‌های ملی؛ توصیه‌های ۱۹۹۶ لاهه درباره حقوق آموزشی اقلیت‌های ملی؛ بندهای ۲۵، ۴، ۳۲ و ۳۲، ۶ سند ۱۹۹۰ کینهاگ؛ توصیه‌های ۱۹۹۹ لاند در مورد مشارکت مؤثر اقلیت‌های ملی در زندگی عمومی؛ مواد ۱ و ۲ و سایر مواد اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی؛ بند ۱ ماده ۲ و بند ۱ ماده ۳ منشور اروپایی زبان‌های محلی و اقلیت ۱۹۹۲
۳. بند ۲ ماده ۲ و ماده ۳ میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ بند ۱ ماده ۲ و ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مواد ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ مقدمه منشور ملل متحد
۴. مواد ۱ و ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ مواد ۶ و ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ مقدمه و مواد مختلف میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۵. ماده ۹، بند ۲ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر
۶. بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۷. بند ۲ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۸. مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر



ح) حق آزادی رفت و آمد و آزادی ورود و خروج از کشور؛^۱
ط) حق تابعیت؛^۲

ج) امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش لازم توسط حکومت برای شهروندان خویش از راه مقابله با تهدیدهای مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنها در قالب مشارکت برای تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌شود. نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، لاجرم باید زمینه حضور آزادانه و برابر آنها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاص وادار نکند.

در واقع، امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاهی سیاسی است که شهروندان آن بتوانند آزادانه و بدون هرگونه ترس، مواضع و باورهای سیاسی خود را، هر چند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین بیان کنند و کسی حق تعرض به آنها را نداشته باشد (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۱). از آزادی سیاسی تعاریف متنوعی ارائه شده است؛ گاه آن را «آزادی فرد در صحنه سیاست و در نتیجه فقدان فشار سیاسی» (منتظر قائم، بی‌تا: ۱۰۰) دانسته‌اند و گاه «وسیله مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت‌ها» (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۹۰). برخی از آن به «اعمال حق حاکمیت مردم، خواه مستقیم یا غیرمستقیم» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۳۱) تعبیر کرده‌اند و برخی دیگر به «امتیازات اهالی یک کشور به مشارکت در حیات سیاسی جامعه» (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۶۹). از منظر کوهن، آزادی سیاسی عبارت از آزادی انجام دادن انواع کارهای مختلفی است که یک حکومت مردمی اقتضا می‌کند که در نتیجه آن، شهروندان می‌توانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند و در حکومت تأثیر عملی داشته باشند (کوهن، بی‌تا: ۱۸۴). با جمع‌بندی تعاریف ارائه‌شده در این خصوص می‌توان آزادی سیاسی را «آزادی فرد در جامعه سیاسی بر اثر فقدان فشار سیاسی... به منظور اعمال حق حاکمیت مردمی و مشارکت فعال سیاسی در جامعه» (محمود آبی، ۱۳۹۰: ۱۳۳) تعریف کرد. بر مبنای همین تعریف، امنیت سیاسی از سه بعد اساسی تشکیل شده است (محمود آبی، ۱۳۹۰: ۱۳۳) که در مجموع هنجارهایی را مورد حمایت قرار می‌دهند. این ابعاد و عناصر هنجاری به شرح زیر است:

۱. ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲. بند ۳ ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند الف ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

- اعمال حق حاکمیت

در جامعه‌ای که از امنیت سیاسی برخوردار است، مردم این امکان را دارند که مستقیماً یا از طریق نمایندگان خود، به اعمال حق حاکمیت بپردازند و در تکوین نظام سیاسی جامعه ایفای نقش کنند. در نتیجه این حق، مردم از طریق انتخاب حکام یا ورود خود به حوزه حاکمیت، در زندگی سیاسی شرکت می‌جویند (میراحمدی، ۱۳۷۸: ۹۹). «حق انتخاب کردن»^۱، «حق انتخاب شدن»^۲ و «آزادی رأی»^۳ عناصر هنجاری این بعد از امنیت سیاسی را تشکیل می‌دهند که در کنار یکدیگر برای یک حکومت مردمی بسترهای لازم را فراهم می‌کنند.

- زمینه‌سازی مشارکت فعال سیاسی در جامعه

در جامعه واجد امنیت سیاسی و در نتیجه اعمال حق حاکمیت از جانب مردم، شهروندان قادر خواهند بود ضمن تشکیل احزاب، سازمان‌ها، جمعیت‌ها، مطبوعات و رسانه‌های گروهی، آزادانه از سیاست‌های دولت حاکم انتقاد کنند و در حوزه حیات سیاسی خویش، فارغ از اکراه و اجبار باشند (میراحمدی، ۱۳۷۸: ۹۹). «آزادی بیان و قلم»^۴ و «آزادی تشکیل اجتماعات و احزاب»^۵ عناصر هنجاری این بعد از امنیت سیاسی را تشکیل می‌دهند.

- فقدان فشار سیاسی و اجبار از ناحیه حاکمان

اگرچه امنیت سیاسی با همان دو بعد اولیه تکامل می‌یابد، اما تحقق هر یک از این دو بعد مشروط به عنصر دیگری است که فقدان آن، امکان امنیت سیاسی را منتفی می‌سازد. «آزادی عقیده و مذهب»^۶ و «آزادی از تفتیش عقاید»^۷ عناصری هستند که فقدان فشار سیاسی و اجبار از ناحیه حاکمان را تضمین می‌کنند.

۱ . بندهای الف و ب ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بندهای الف و پ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر
 ۲ . بندهای ب و ج ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ب ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر
 ۳ . بند ب ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
 ۴ . بند ۱ ماده ۱۸ و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر
 ۵ . مواد ۲۱ و ۲۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر
 ۶ . بند ۱ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر
 ۷ . بند ۲ ماده ۱۸ و بند ۱ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی



د) امنیت غذایی

– مفهوم امنیت غذایی

«امنیت غذایی» که نخستین بار در ادبیات روابط بین‌الملل در اواسط دهه ۱۹۷۰ و در پاسخ به بحران جهانی غذا مطرح شد، در درجه اول بر مشکلات تأمین مواد غذایی، در دسترس بودن غذا و قیمت آن در سطوح ملی و بین‌المللی متمرکز بود. در کنفرانس جهانی غذا (۱۹۷۴) مفهوم امنیت انسانی با تأکید بر «عرضه و تأمین غذا» در «سطح تحلیل جهانی» تعریف شد که بر مبنای آن، امنیت غذایی به معنی «عرضه کافی مواد غذایی اساسی در جهان در تمام زمان‌ها، به نحوی که افزایش با ثبات مصرف و جبران نوسان‌های تولید و قیمت را موجب شود»، تلقی شد. به عبارت دیگر، در این تعریف، عرضه منابع کافی غذایی در هر زمان، در جهت مصرف پایدار مواد غذایی و جبران هرگونه نوسان در تولید و قیمت، امنیت غذایی نامیده می‌شود (United Nations, 1975).

منتقدین این تعریف بر این باور بودند که به‌رغم کفایت عرضه، ممکن است برخی افراد، به دلیل مسائل مالی، قادر به تأمین غذا و در نتیجه بهره‌مندی از امنیت غذایی نباشند (Sen, 1981). در سال ۱۹۸۳، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) و کنفرانس بین‌المللی تغذیه (۱۹۹۲)، ضمن گسترش مفهومی امنیت غذایی، شاخص دسترسی امن به منابع غذایی^۱ توسط افراد آسیب‌پذیر را ارائه کردند و خواستار توجه به عرضه و تقاضا در بازار مواد غذایی جهان شدند. در سال ۱۹۸۶، گزارش بانک جهانی در مورد امنیت غذایی با عنوان «فقر و گرسنگی» منتشر شد که در آن بر پویایی‌های زمانی ناامنی غذایی در زمان وقوع بلاهای طبیعی و بحران‌های اقتصادی و سیاسی تأکید شده بود. به همین دلیل بانک جهانی، امنیت غذایی را «دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای یک زندگی فعال و سالم» تعریف می‌کند (World Bank, 1986).

گزارش نهایی اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶، ضمن مورد توجه قرار دادن شاخص‌های ذهنی و کیفی در این مورد، اشعار می‌داشت که «امنیت غذایی هنگامی وجود دارد که همه مردم در همه زمان‌ها، از لحاظ فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی کافی، سالم و مغذی دسترسی داشته باشند تا نیازهای تغذیه‌ای آنها تأمین شود و برخورداری از یک زندگی سالم و فعال را برای آنان ممکن سازد» (FAO, 1996).



۱- ابعاد و عناصر امنیت غذایی

دقت در تعاریف ارائه شده از امنیت غذایی این نتیجه را به دست می‌دهد که امنیت غذایی به دنبال استیفای حقی برای ابنای بشر است که در اسناد متعدد حقوق بشری با عنوان «حق بر غذا» مورد شناسایی قرار گرفته است. حق بر غذا به عنوان حقی بنیادین برای هر شخص، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذای کافی (از لحاظ کمی و کیفی) است که پاسخگوی نیازهای غذایی یک انسان باشد (ابراهیم گل، ۱۳۸۷: ۲۲۲). «تفسیر کلی شماره ۱۲»^۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد^۲ که «حق بر غذا» را با عنوان «حق بر غذای کافی» مورد تحلیل و بررسی قرار داده، بر استنتاج فوق صحه می‌گذارد (General Comment 12, 1999). بر مبنای نظر تفسیری مذکور «حق بر غذای کافی زمانی تحقق می‌یابد که هر زن و مرد و کودکی، به تنهایی یا به صورت جمعی با دیگران، توانایی دسترسی اقتصادی و فیزیکی، در همه زمان‌ها، به مقدار کافی غذا یا ابزار تهیه آن را داشته باشد». بر این اساس، امنیت غذایی، که حق دسترسی به غذا و رهایی از گرسنگی را متجسم می‌سازد، جزء حقوق بنیادین بشری است و در هیچ شرایطی، حتی در مخاصمات نیز قابل تعلیق نیست (اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۴: ۱۵۸). دستورالعمل اختیاری شورای فائو، مؤلفه‌های چهارگانه‌ای را برای «حق بر غذا»^۳ در نظر می‌گیرد که شامل الف) فراهم بودن یا تأمین غذای کافی؛^۴ ب) ثبات غذا؛^۵ ج) قابل دسترس بودن از نظر اقتصادی و فیزیکی؛^۶ د) مفید و سالم بودن^۷ می‌شود (اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). اگرچه برخی دیگر از نویسندگان اعتقاد دارند که سه مورد اول از چهار

1 . General Comment 12

2 . The UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights

۳ . ماده ۹۲ کنوانسیون شماره ۱، مواد ۲۱ و ۲۹ کنوانسیون شماره ۳ و مواد ۲۹، ۵۵ و ۷۳ کنوانسیون چهارم ژنو؛ مواد ۵۴، ۶۷ و ۷۰ پروتکل اول الحاقی و مواد ۱۴ و ۱۵ پروتکل دوم الحاقی بر کنوانسیون‌های ژنو؛ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۱۱ اعلامیه آمریکایی حقوق و تعهدات فرد در سال ۱۹۴۸؛ ماده (۱) ۱۲ پروتکل الحاقی بر کنوانسیون‌های آمریکایی حقوق بشر (پروتکل سان سالوادور)؛ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و اقوام در سال ۱۹۸۱ و پروتکل منضم به آن؛ ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره وضعیت پناهندگان؛ بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۷۹ درباره محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان؛ بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۷۹ درباره محو تمامی اشکال تبعیض علیه زنان؛ اعلامیه کپنهاگ درباره توسعه اجتماعی ۱۹۹۵؛ اعلامیه اهداف توسعه هزاره؛ اعلامیه جهانی درباره تغذیه (۱۹۹۲)؛ اعلامیه رم در مورد امنیت غذایی جهانی (۱۹۹۶)؛ قطعنامه‌های ۵۷/۲۲۶ مورخه ۲۶ فوریه ۲۰۰۳ و ۵۸/۱۸۶ مورخه ۱۸ مارس ۲۰۰۴ مجمع عمومی در زمره اسنادی هستند که حق بر غذا را مورد توجه قرار داده‌اند.

4 . Availability

5 . Stability

6 . Access to Food

7 . Food Utilization



بعد بیان شده را در تعریف بانک جهانی از امنیت غذایی نیز می‌توان جست‌وجو کرد (مادلی، ۱۳۸۶: ۵۷)، اما دقت در تعریف یادشده، آنجا که هدف امنیت غذایی را «برای زندگی سالم و فعال» معرفی می‌کند، وجود بعد چهارم را نیز در تعریف بانک جهانی به اثبات می‌رساند. «موجود بودن غذا»، تولید و عرضه داخلی و نیز واردات مواد غذایی را شامل می‌شود که در نتیجه تغییر در کیفیت روابط بین‌المللی دولت‌ها، می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد؛ «دسترسی به غذای کافی» مستلزم توانمندی اقتصادی (شامل رشد اقتصادی، توزیع درآمد و وضعیت فقر و رفاه جامعه) و دسترسی فیزیکی به غذاست و «پایداری در دریافت غذا» به «وجود غذا به صورت همیشگی و مداوم و بدون وقفه» تعبیر می‌شود که در نتیجه آن انسان‌ها در هیچ شرایطی، حتی هنگامه‌های بحران، مثل جنگ و بلاای طبیعی، نباید نگرانی از دریافت غذا داشته باشند. هدف ابعاد چهارگانه، که در تعریف بانک جهانی از امنیت غذایی، دستیابی به «یک زندگی فعال و سالم» تعریف شده است، آن‌گاه محقق می‌شود که انسان به غذای مفید و سالم دسترسی داشته باشد (آبیل، ۱۳۹۰: ۱۰۳). تحقق ابعاد چهارگانه امنیت غذایی، «حق بر غذا» را برای ابنای بشر تضمین می‌کند.

ه) امنیت زیست‌محیطی

– مفهوم امنیت زیست‌محیطی

در دهه‌های اخیر، ملاحظات مربوط به رشد سریع و بی‌رویه جمعیت، کاهش منابع محیطی و گسترش کنترل‌ناپذیر آلودگی‌های صنعتی و معدنی وارد صحنه اصلی تفکر روابط بین‌الملل، پژوهشگران و حتی توده‌های مردم شده است. در پایان دهه ۱۹۸۰، مباحثات مربوط به محیط زیست، به عنوان یک موضوع امنیتی آغاز و به مرور زمان به مسئله امنیتی برجسته تبدیل شده است (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). در این دوران، محیط زیست به عنوان کانون اصلی نگرانی‌ها و علت بالقوه کشمکش‌های سیاسی معرفی شد (Dalby, 2003: 5073-5079) و پیامدهای بین‌المللی فرسایش و نابودی محیط زیست در بازنگری مفهوم امنیت جایگاهی ویژه یافت (Dalby, 2002: 133). از نظر بوزان «امنیت زیست‌محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است» و همه دولت‌ها نسبت به تهدیدها در این حوزه آسیب‌پذیری دارند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۵). از منظر شبهان نیز امنیت زیست‌محیطی «به حفاظت و صیانت از زیست‌کره منطقه‌ای و جهانی

به عنوان یک سیستم حمایتی ضروری و حیاتی که کلیه تشکیلات و فعالیت‌های بشر به آن بستگی دارد» (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۲۷) مربوط می‌شود؛ در حالی که برنامه توسعه سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ نیز امنیت زیست‌محیطی را «نبود عوامل تخریبی محیط زیست در سطح محلی و جهانی» تعریف کرده است. تهدیدهای زیست‌محیطی را به دو نوع، با منشأ طبیعی و با عامل انسانی، می‌توان تقسیم کرد. آنچه در دستورکار امنیت زیست‌محیطی قرار می‌گیرد، تهدیدهای نوع دوم است که در مسیر تکامل فرایند تمدنی، در نتیجه دستکاری طبیعت توسط انسان حاصل می‌شود (مجیدی و خامسار، ۱۳۸۸: ۶۳). بر این اساس، تخریب محیط زیست از آن جهت مشکل امنیتی قلمداد می‌شود که بر بهداشت، سلامتی و رفاه انسان تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه، در قامت تهدید وجودی مستقیم علیه انسان‌ها در ابعاد مختلف رخ می‌نماید. این مسئله ذهنیتی را ایجاد و تقویت می‌کند که سلامت بشر و نظام‌های طبیعی به شدت به هم پیوسته هستند (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

– ابعاد و عناصر امنیت زیست‌محیطی

امنیت زیست‌محیطی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هفت‌گانه امنیت انسانی، به طور کلی، به معنای «حق بر محیط زیست سالم» مورد توجه قرار می‌گیرد که مبتنی بر نیاز انسان در برخورداری از محیط زیست است. به همین سبب، حق بر محیط زیست مانند حقوق نسل دوم، حقی قابل مطالبه قلمداد می‌شود. بر این اساس، نیازمندی موجود انسانی، طبیعت را موضوع حق و بهره‌مندی او قرار می‌دهد (مشهدی و کشاورز، ۱۳۹۱: ۴۹). این حق را می‌توان در ماده ۲۴^۱ «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها»^۲ و ماده ۱۱^۳ «پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»^۴ جست‌وجو کرد. اگرچه «حق بر محیط زیست سالم» خود مهم‌ترین هنجار تشکیل‌دهنده مؤلفه «امنیت زیست‌محیطی» امنیت انسانی است، اما حقوق دیگری را که با این حق در

1 . Article 24: “All peoples shall have the right to a general satisfactory environment favorable to their development.”

2 . African charter on Human and people’s Rights; Available at: <http://www.achpr.org/instruments/achpr/>

۳ . ماده ۱۱: «هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی برخوردار شود. دول عضو متعهد می‌شوند حراست، حفاظت و بهبود محیط زیست را ترویج کنند.»

4 . Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the Area of Economic, Social and Cultural Rights “Protocol of San Salvador; Available at: <http://www.oas.org/juridico/english/treaties/a-52.html>



تعامل می‌افتند نیز می‌توان در قالب اجزای این حق مورد اشاره قرار داد. بر این اساس، «حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی»^۱ «حق مشارکت در اتخاذ تصمیم‌های زیست‌محیطی»^۲ «حق بر آموزش بر مسائل زیست‌محیطی»^۳ و «حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی از جمله جبران و مجازات خسارات زیست‌محیطی»^۴ در زمره اجزای این حق قرار می‌گیرند که هر یک در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی متعددی مورد توجه قرار گرفته‌اند و در نتیجه، حق بهره‌مندی افراد انسانی از محیط زیست را تضمین می‌کنند.

و) امنیت شخصی

- مفهوم امنیت شخصی

بین اندیشمندان دو معنا از امنیت شخصی مد نظر قرار گرفته است: اول، معنای عام از امنیت شخصی که به نوعی تمام حقوق بشر را دربر گرفته است و به مفهوم امنیت انسانی تعبیر می‌شود و دیگری، معنای خاص از امنیت شخصی که از ماده ۱ میثاق حقوق مدنی سیاسی با عنوان «حق بر آزادی و امنیت شخصی»^۵ مستفاد می‌شود. با دقت در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، به نظر می‌رسد مقصود از «آزادی و امنیت شخصی» مفهومی است که معنای یادشده را متبادر می‌سازد (صادقی زیاری و ابراهیمی‌منش، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۳). از آنجا که «آزادی شخصی لازمه وجودی انسان و به عنوان یکی از حقوق فطری، غایت مطلوب جامعه بشری است، همگان باید به آن

۱. ماده ۱۰ اعلامیه ریو، اصول راهبردی صوفیا مصوب ۱۹۹۵، کنوانسیون بین‌المللی درباره حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست (آرهوس) مصوب ۱۹۹۸ دانمارک، ماده ۶ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، پروتکل ژنو در خصوص مناطق حفاظت‌شده دریای مدیترانه، پروتکل کینگستون در خصوص مناطق حفاظت‌شده حیات وحش منطقه دریایی ناحیه کارائیب (ماده ۱۶)، پروتکل ناپروبی در خصوص مناطق حفاظت‌شده و جانوران و گیاهان وحشی در منطقه آفریقای شرقی (ماده ۱۵)، موافقت‌نامه آسه‌ان در خصوص حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (ماده ۱۶)، کنوانسیون ساختاری سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوا (ماده ۴ بند ۱)، کنوانسیون تنوع زیستی (مواد ۱۳ و ۱۷) و فصل ۲۳ دستور کار ۲۱ تأکید دارند که هر فرد باید کاملاً به اطلاعات از جمله اطلاعات مواد و فعالیت‌های خطرناک دسترسی داشته باشد.

۲. ماده ۱۰ اعلامیه ریو (ضرورت مشارکت عمومی)، ماده ۲۰ اعلامیه ریو بر نقش زنان، ماده ۲۱ اعلامیه ریو بر نقش جوانان و ماده ۲۲ اعلامیه ریو بر نقش مردم بومی، مقدمه فصل ۲۳ بند سوم دستورکار ۲۱، اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت، اصول راهبردی صوفیا مصوب ۱۹۹۵، کنوانسیون آرهوس، کنوانسیون اسپو (Espoo) درباره ارزیابی آثار زیست‌محیطی در زمینه برون‌مرزی مصوب ۱۹۹۱، بند اول ماده ۴ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و ماده ۱۷ پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، بر نقش افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در اتخاذ تصمیم‌های زیست‌محیطی تأکید دارند.

۳. اصل ۱۵ منشور طبیعت و اصل ۱۹ اعلامیه استکهلم، بر ضرورت حق بر آموزش در زمینه مسائل زیست‌محیطی تأکید دارند.

۴. ماده ۱۰ اعلامیه ریو (دسترسی به اقدامات و مراجع قضایی و اداری برای جبران خسارت و مجازات)، دستور کار ۲۱، ماده ۱۸ پیش‌طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، بند ۲ ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریاها، اصول راهبردی صوفیا و کنوانسیون آرهوس در این زمینه نکاتی را مطرح کرده‌اند.

به دیده احترام بنگرند و از تعرض به آن احتراز کنند. با وجود این، اسناد بین‌المللی حقوق بشر بدین ترتیب به حمایت از حق برخورداری از آزادی افراد پرداخته است که هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه بازداشت کرد» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۳؛ صادقی زیاری و ابراهیمی‌منش، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۳). حق بر امنیت شخصی در زمره حقوق طبیعی و از مباحث بسیار مهم حوزه عدالت کیفری تلقی می‌شود. این حق مبنای حمایت از افراد در برابر سلب خودسرانه آزادی و همچنین قانونی کردن دستگیری و بازداشت است. حق بر امنیت شخصی از حقوق اولیه و از شروط زیربنایی برای نیل به سایر آزادی‌ها و حقوق است؛ زیرا در شرایط فقدان آزادی جسمانی و وجود تهدیدهای امنیتی، امکان برخورداری از سایر حقوق و آزادی‌ها تضعیف می‌شود. در واقع، بهره‌مندی از حقوق بشر در بستر حق‌هایی زیربنایی، همچون حق حیات و حق آزادی و امنیت شخصی، میسر می‌شود (اسماعیل پور و شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۹). بر این اساس می‌توان امنیت شخصی را «امنیت از خشونت شخصی» تعریف کرد که خود اشکال متفاوتی مانند شکنجه، جنگ، جرایم خشونت‌بار یا خشونت‌های مبتنی بر جنسیت را شامل می‌شود (تیگراشتروم، ۱۳۸۹: ۳۸).

۱- ابعاد و عناصر امنیت شخصی

برای امنیت شخصی می‌توان ابعاد چهارگانه‌ای را برشمرد که در این مقام ابتدا به آنها می‌پردازیم و سپس عناصر تشکیل‌دهنده هر یک از این ابعاد را بررسی می‌کنیم:

* تساوی در برابر قانون

اصل تساوی در برابر قانون که تقریباً در بسیاری از قوانین اساسی ذکر و تضمین شده است، بزرگ‌ترین ثمره آزادی محسوب می‌شود. مفهوم این اصل، برابری همه افراد جامعه به اتکای اصل آزادی نیست، بلکه مقصود این است که دستگاه حکومت و نهادهای مجری قانون رفتاری یکسان با همه افراد داشته باشند و در نتیجه آن، عدم تساوی طبیعی بین افراد، نباید موجبات اعمال رفتار تبعیض‌آمیز بین آنها را فراهم کند (مدنی، ۱۹۴: ۱۳۷۶). این بعد از امنیت شخصی، عناصری از هنجارها را دربردارد که می‌توان آنها را به این ترتیب برشمرد:

الف) حق برابری در مقابل قانون؛^۱

۱. ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹؛ ماده ۵ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۴۵



ب) حق برخورداری از حمایت مؤثر و متساوی قانونی؛^۱
ج) حق برابری در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری؛^۲

* رهایی از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تزدیلی اگرچه «شکنجه» در منشور حقوق بشر تعریف نشده است، اما بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ به خوبی به آن پرداخته و آنچه را از این مفهوم مد نظر داشته، تقریر کرده است. بر این اساس، «شکنجه عبارت است از ایراد عمدی هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص از جانب مأمور رسمی دولت یا کسی که در سمتی رسمی عمل می‌کند یا به تحریک یا اجازه یا سکوت او به منظور اخذ اطلاعات یا اقرار شخص یا شخص ثالث، مجازات او از بابت عملی که او یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، ارعاب یا اجبار او یا شخص ثالث یا به هر دلیلی که مبتنی بر هرگونه تبعیض باشد». مجمع سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره (XXX) ۳۴۵۲ مصوب ۱۹۷۵^۳ شکنجه را «شکل تشدید یافته و عمدی رفتار یا مجازات وحشیانه، غیرانسانی و خوارکننده» تلقی کرده است. عناصر هنجاری این بعد از امنیت شخصی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

الف) حق مصونیت از ظلم، شکنجه و رفتار یا کیفر تحقیرآمیز، موهن، یا خلاف انسانیت و شأن بشر؛^۴

ب) حق بر منزلت انسانی؛^۵

* برابری و عدم تبعیض

به عقیده کمیسیون حقوق بشر، تبعیض «اعمال هر نوع تمایز، محرومیت، محدودیت یا ترجیح بر هر مبنایی مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا سایر شئون است که هدف یا اثر آن بی‌تأثیر کردن و تخریب شناسایی، بهره‌برداری و اعمال همه حقوق و آزادی‌ها، در شرایط برابر، برای همه انسان‌هاست» (Human Rights Committee, General Comment 18, para:1 & 6 & 7).

۱. ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ج ماده ۲ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹؛ مقدمه کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی ۱۹۶۵

۲. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۳. این قطعنامه با عنوان «اعلامیه حمایت از قربانیان شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تزدیلی» شناخته می‌شود.

۴. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۱ ماده ۱۴ همان اعلامیه؛ ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۱ ماده ۲ و بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه؛ قسمت الف بند ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

۵. ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ مقدمه میثاقین؛ بند ۱ ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مقدمه کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴؛ قسمت ج بند ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

اصل عدم تبعیض از چنان اهمیت بنیادینی برخوردار است که ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را متعهد می‌سازد زمینه بهره‌برداری از حقوق مندرج در میثاق را به صورت برابر برای زنان و مردان فراهم کند؛ با این حساب، وقتی در بند ۱ ماده ۴، در وضعیت‌های فوق‌العاده، و تحت شرایطی، اجازه اتخاذ تدابیری خارج از الزامات مقرر در میثاق را می‌دهد، به این موضوع تصریح می‌کند که «این تدابیر نباید شامل تبعیضی منحصرأ بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان و اصل و منشأ مذهبی و اجتماعی شود» (Human Rights Committee, General Comment 18, para: 2). بر این اساس، این بعد از امنیت شخصی، که خود رویکردی هنجاری را به نمایش می‌گذارد، از «حق برابری»^۱ و «حق بر منع تبعیض»^۲ تشکیل شده است.

* آزادی شخصی

حق آزادی شخصی در زمره حق‌های بشری بنیادینی است که دولت‌ها همواره از اشکال مختلف سلب آن، به‌ویژه زندانی کردن، به عنوان ابزاری بازدارنده برای مقابله با جرایم و در نتیجه، برقراری امنیت داخلی استفاده می‌کرده‌اند. «آزادی» گستره مفهومی وسیعی را شامل می‌شود و دربرگیرنده آزادی‌های مدنی و سیاسی و همچنین آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در کنار اصل آزادی، «فرض بی‌گناهی» یا «اصل برائت» به عنوان میراث مشترک حقوقی ملل، یکی از اصول بسیار مهم و مرتبط با حق آزادی و امنیت شخصی به شمار می‌آید. این اصل در کنار حق آزادی شخصی، احساس امنیت و آزادی افراد را در جامعه تضمین می‌کند. بنابراین، رعایت اصل برائت و حاکمیت بخشیدن به آن، در حقیقت گام اول احترام به اصل کرامت انسان تلقی می‌شود (اسماعیل پور، باقری، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۲). حق آزادی شخصی موجب حمایت از آزادی‌های فیزیکی افراد در قالب مجموعه‌ای از هنجارها می‌شود که می‌توان آنها را این‌گونه برشمرد:

الف) حق بر عدم سلب آزادی مگر بر اساس رویه‌های قانونی (حق قانونی بودن بازداشت و حبس)^۳؛

۱. مقدمه منشور ملل متحد؛ ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مقدمه، بندهای ۱ و ۴ ماده ۱ و بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی؛ مقدمه، بند ج ماده ۲ و ماده ۳ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
 ۲. بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد؛ ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۲ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ ماده ۲ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی؛ بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
 ۳. ماده ۳ و بند ب ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۱ ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی؛ ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک؛ ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم



(ب) حق منع بردگی؛^۱

(ج) حق منع کار اجباری؛^۲

(د) حق بر اطلاع از علت بازداشت؛^۳

(ه) حق دسترسی به دادگاه صالح و حق بر حضور فوری نزد قاضی؛^۴

(و) حق رسیدگی نسبت به قانونی بودن دستگیری یا بازداشت؛^۵

(ز) حق رفتار انسانی و محترمانه؛^۶

(ح) حق بر غرامت؛^۷

(ط) اصل برائت؛^۸

(ز) امنیت بهداشتی

مفهوم «امنیت بهداشتی» برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ توسط سازمان ملل مطرح و هدف آن «تضمین حفاظت از بیماری و شیوه‌های ناسالم زندگی» بیان شد (UNDP, 1994). متعاقب این ابداع، بسیاری از ارجاعات از این مفهوم برای ترسیم آن دسته از موضوعات بهداشتی که تأثیر زیادی روی امنیت انسان دارند، استفاده کردند (Scharoun & Others, 2002: 74-92). این‌گونه امنیت به مبارزه با آن دسته از ناامنی‌هایی می‌پردازد که در نتیجه شیوع امراض مسری و انگلی در مناطق آسیب‌پذیر یا بر اثر گسترش پیامدهای سوء صنعتی شدن کشورها به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، امنیت بهداشتی به آزادی انسان‌ها از انواع بیماری‌ها و دسترسی آنان به مراقبت‌های سلامتی اشاره دارد (آبیل، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مهم‌ترین سندی است که «حق هرکس به بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول

۱. ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بندهای ۱ و ۲ ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ بند الف ماده ۳ کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک ۱۹۹۹؛ ماده ۲ کنوانسیون برده‌داری ۱۹۲۶ ژنو

۲. بند الف ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۳ ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ بند الف ماده ۳ کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک ۱۹۹۹؛ بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون شماره ۲۹ سازمان بین‌المللی کار در مورد کار اجباری ۱۹۳۰

۳. بند ۲ ماده ۹ و بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
۴. ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۳ ماده ۲، بند ۳ ماده ۹ و بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۵. بند ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
۶. ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی

۷. بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۸. بند الف ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی



سلامت جسم و روحی ممکن‌الحصول» را به صراحت در ماده ۱۲ خود به رسمیت شناخته است. با دقت در رویه عملی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز مذاقه در اسناد صادره از گزارشگر ویژه ملل متحد درباره «حق بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت جسم و روان»، اجزای ضروری حق بر سلامت، که مهم‌ترین هنجار امنیت بهداشتی را به خود اختصاص داده است، مشتمل بر این موارد شناخته می‌شود: آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب مناسب، غذای سالم، تغذیه و مسکن مناسب، شرایط زیست‌محیطی سالم، محیط کار مناسب، آموزش و اطلاع‌رسانی سلامت‌محور و برابری جنسیتی (WHO, 2008). در واقع، تحقق «حق بر سلامت» در گرو تحقق تعدادی از حقوق دیگر و در عین حال، متضمن تحقق اکثر این حقوق است. حقوق موصوف عبارت‌اند از: حق بر غذا، حق بر آب، حق بهره‌مندی از استاندارد مناسب زندگی، حق برخورداری از مسکن مناسب، حق رهایی از نابرابری، حق برخورداری از حریم شخصی، حق دسترسی به اطلاعات، حق مشارکت، حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و حق به کارگیری این پیشرفت‌ها (B.C.A, 1999: 16). بند ب ماده ۵۵ منشور ملل متحد،^۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،^۳ بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض نژادی،^۴ ماده ۱۱ و بند دوم ماده ۱۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان،^۵ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک،^۶ ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق معلولان ۲۰۰۶،^۷ مواد ۲۸، ۴۳ و ۴۵ کنوانسیون حمایت از حقوق کارگران مهاجر، ماده ۱۴ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک و مواد ۳ و ۱۰ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر از جمله اسناد بین‌المللی هستند که به «حق بر سلامت» و اجزای مختلف تشکیل‌دهنده آن پرداخته و این حق را به عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد انسانی مورد شناسایی قرار داده‌اند.

۱ . تعهد دولت‌ها به ترویج راه‌حلهایی برای مشکلات مربوط به سلامت

۲ . حق برخورداری از سلامتی

۳ . حق تمتع از بهترین حالت جسمی و روانی ممکن‌الحصول

۴ . حق استفاده از بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی، بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی

۵ . «حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار از جمله حمایت از وظیفه تولید مثل»؛ «تعهد دولت‌ها به تضمین ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداری، بستری شدن برای زایمان و دوران پس از زایمان و در موارد لزوم، در اختیار قرار دادن خدمات رایگان و تغذیه‌ای کافی در دوران بارداری و شیردهی مادران»

۶ . حق کودک در برخورداری از بالاترین سطح استاندارد سلامت و تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توان‌بخشی

۷ . حق معلولان در برخورداری از عالی‌ترین استاندارد سلامتی بدون تبعیض بر مبنای معلولیت



نتیجه‌گیری

ظهور دکترین امنیت انسانی در نخستین سال‌های بعد از پایان جنگ سرد، بیش از هر چیز نشان‌دهنده جایگاه تضعیف‌شده نظریات سنتی امنیت بود که با اتکا بر جایگاه بلامنزاع دولت در کانون توجه مطالعات استراتژیک و تمرکز بر حداکثرسازی قدرت نظامی به منظور تأمین بازدارندگی حداکثری رواج داشتند. منشأ دگرگونی این دکترین را باید در رویگردانی از اعتقاد به مرجعیت دولت در امنیت جست‌وجو کرد؛ امنیت انسانی، که هدف خود را محافظت از «گوهر حیات» انسان از تهدیدهای مهم و هموار کردن مسیر شکوفایی و کمال وی قرار داده است، با محوریت بخشیدن به انسان در مسیر توسعه، «آزادی از ترس» و «آزادی از نیاز» را به عنوان راهبردهای کلان خود در نظر گرفته و مؤلفه‌های هفت‌گانه‌ای را بر این مبنا تعریف می‌کند که با رها کردن انسان از ترس و نیاز در آن حوزه‌ها، حداقل‌های لازم برای تکریم و حفظ منزلت انسانی او را فراهم می‌سازد. مطالعات و تحقیقات نگارنده در این زمینه نشان می‌دهد که این دکترین برای حفظ گوهر حیات انسان، به هنجارهایی توسل می‌جوید که دربردارنده حقوقی هستند که طبیعت به دلیل انسانیت انسان به او اعطا کرده و با محوریت بخشیدن به عقل بشری در احراز این هنجارها، آنها را به سطح هنجار حقوقی ارتقا داده است. اگرچه برخی از این هنجارها در نظام حقوقی بین‌المللی موجود کسوت قاعده حقوقی بر تن نکرده‌اند، اما بسیاری از آنها را می‌توان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به ویژه منشور حقوق بشر، به عنوان قاعده حقوقی مورد جست‌وجو قرار داد. بر این اساس امنیت انسانی که می‌توان آن را میراث‌دار حق بر توسعه تلقی کرد، دکترینی است که تضمین همه‌جانبه هنجارهای حقوق بشری را برای همه انسان‌ها در سراسر گیتی دنبال می‌کند و در این راستا هیچ‌گونه تمایزی بین نسل‌های متوالی و متعدد حقوق بشر قائل نمی‌شود. این هنجارها ممکن است در نتیجه تأثیر مکتب اثبات‌گرایی، در حقوق موضوعه تثبیت شده یا اینکه بر مبنای اصول مکتب حقوق طبیعی (فطری)، فارغ از چارچوب‌های حقوق موضوعه، مورد شناسایی قرار گرفته باشند. بنابراین، دکترین امنیت انسانی، که ظهور آن را باید نتیجه عزم جدی جامعه بین‌المللی در رجوع به قواعد حیات‌بخش حقوق بشر قلمداد کرد، بر همان مبانی‌ای تکیه دارد که حقوق بشر از آن نشئت می‌گیرد. این مبانی را که در بخش دوم این نوشتار مورد توجه قرار گرفتند، می‌توان عبارت از «حق صیانت ذات» و اصول «حیثیت و منزلت انسانی»، «آزادی»، «برابری» و «برادری» دانست.

با اتکا به آنچه به تفصیل در این نوشتار مورد توجه قرار گرفت، و به ویژه با توجه به اینکه امنیت انسانی: ۱. همانند نسل سوم حقوق بشر، همه نسل‌های حقوق بشر را مورد توجه قرار داده و پیگیری می‌کند؛ ۲. همانند قواعد همه ادوار حقوق بشر، محور توجه خود را بر انسان، به دلیل انسانیت او، قرار داده است و بر این اساس، جهان‌شمولی حقوق بشر را ترویج می‌کند؛ ۳. با استناد به مقدمه منشور ملل متحد و اسناد سه‌گانه منشور حقوق بشر، انسان را در برخورداری از حقوق انسانی خود ذی‌حق می‌پندارد و از او پشتیبانی می‌کند؛ ۴. در راستای بازگشت به آموزه‌های اصیل نظام نوین حقوق بین‌الملل، که در منشور مندرج شده است، افراد انسانی را عناصر تشکیل‌دهنده جامعه بین‌المللی قلمداد و مرجعیت امنیت را نه به انسان، بلکه به هنجارهایی که حیثیت و کرامت ذاتی او را تضمین می‌کنند، اعاده کرده است؛ نگارنده پیشنهاد می‌کند «امنیت انسانی» با عنوان «حق بر امنیت انسانی» به عنوان عنصر هنجاری مکمل نسل سوم حقوق بشر مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گیرد و امیدوار است که روزی تضمین استیفای انسان‌ها از حقوق بشری خود، در قالب این دکترین، به سطح قاعده‌ای که تخلف‌پذیر نیست، ارتقا یابد.

منابع فارسی

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چ ۶، تهران: نشر نی.
- آریان‌پور، منوچهر (۱۳۷۷)، فرهنگ پیشرو آریان‌پور، تهران: نشر جهان رایانه، زمستان.
- ابراهیم‌گل، علیرضا (۱۳۸۷)، «حق بر غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، مجله حقوقی بین‌المللی، س ۲۵، ش ۳۹.
- اتابکی، پرویز (۱۳۹۱)، فرهنگ جامع کاربردی فرزنان، چ ۱، ج ۲، تهران: نشر فرزنان.
- اسماعیل‌پور، حامد و محمدجواد شریعت باقری (۱۳۹۳)، «کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی»، مجله حقوقی دادگستری، س ۷۸، ش ۸۶.
- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۶۹)، در جست‌وجوی امنیت ملی، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: نشر سفیر.
- بودرچمهر، محمدحسن (۱۳۸۰)، القاموس الشامل، تهران: نشر نوفل.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲.



- تیگراشتروم، باربارا فن (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، چ اول، تهران: انتشارات مجد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چ ۱، ج ۱۳، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و بهنام سرخیل (۱۳۹۳)، «رفتارهای حمایت‌گرانه و امنیت انسانی؛ با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، ش ۲.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، تهران: نشر میزان.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷)، قانون اساسی ایران و اصل دموکراسی، تهران: امیرکبیر.
- رهبر، عباسعلی و فرزاد سوری (۱۳۹۵)، «دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی»، فصلنامه دولت‌پژوهی، س ۲، ش ۵.
- ساعدوکیل، امیر (۱۳۸۹)، مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ساعد وکیل، امیر و پوریا عسگری (۱۳۹۱)، نسل سوم حقوق بشر.
- سنگوپتا، آرجون (۱۳۸۳)، «حق توسعه در نظریه و عمل»، ترجمه منوچهر توسلی جهرمی، مجله حقوقی، ش ۳۰.
- سیف، الله‌مراد (۱۳۸۹)، «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۳، ش ۹.
- شایگان، فریده، مسعود طارم سری، محمودرضا گلشن‌پژوه، بهرام مستقیمی و یوسف مولایی (۱۳۸۲)، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، چ ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۰)، بنیان‌های نظری حقوق بشر، چ ۱، نشر میزان.
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۲)، زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- شهبازی، آرامش (۱۳۹۵)، فلسفه حقوق بین‌الملل / پوزیتیویسم، تهران: شهر دانش.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صادقی زیاری، حاتم و مهراون ابراهیمی‌منش (۱۳۹۳)، «حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، ش ۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران: ابن سینا، بنیاد راستاد.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، چ ۱، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چ ۱، تهران: انتشارات اشجع.

- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۰)، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹.
- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۴)، «امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، فلسفه حقوق، ج ۱، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق کانت، ترجمه صانعی دره‌بیدی، چ ۴، تهران: مؤسسه انتشارات فلسفه.
- کشاورز، اسماعیل و علی مشهدی (۱۳۹۱)، «تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، س ۱۳، ش ۲ (پیاپی ۳۶).
- کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات خوارزمی،
- گریفین، کیث و تری مک کنلی (۱۳۷۷)، توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد، ترجمه غلامرضا خواجه پور، چ اول، تهران: نشر وداد.
- لاک، جان (۱۳۹۲)، رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، چ ۴، تهران: نشر نی.
- مادلر، جان (۱۳۸۶)، تجارت گرسنگی، ترجمه صلاح‌الدین محلاتی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- متقی، جلال (۱۳۷۷)، «امنیت و اقتصاد»، نشریه امنیت، س ۲، ش ۴، ناشر وزرات کشور حوزه معاونت امنیتی و انتظامی.
- مجیدی، محمدرضا و احمد خامسار (۱۳۸۸)، امنیت انسانی در غرب آسیا، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۶)، کلیات حقوق اساسی، تهران: انتشارات پایدار.
- منان، پی‌یر (۱۳۹۴)، تاریخ فکری لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه.
- منتظر قائم، مهدی، «آزادی سیاسی، حکومت اسلامی»، س ۲، ش اول.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۹)، «حق توسعه از ادعای سیاسی تا مطالبه حقوقی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۴.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۱)، حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۶.
- میراحمدی، منصور (۱۳۷۸)، «درآمدی بر آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه علوم سیاسی، قم، ش ۵.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۹.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چ ۲، تهران: نشر میزان.



منابع لاتین

- Akhavan Kazemi, B. (2008), "Economic Security and Guidelines Providing It in the Teachings of Quran and Hadith", *Quran and Hadith Studies*, (29): 183-216 (in Persian).
- Black. M. A, Henry Campbell (1979), "Black's Law Dictionary", 5th Edition, Vol. IV, *West Publishing Co.*
- B.C.A. Toebes (1999), "The Right to Health as a Human Right in International Law".
- Chen L.C., & Narasimhan, V. (2002), "Health and Human Security: Pointing A Way Forward", Retrieved from: <https://sophieinstitute.files.wordpress.com/2013/09/health-and-human-security.pdf>
- Claudia F. Fuentes and Franciso Rojas Aravena (2005), Promoting Human Security: Ethical, Normative and Educational Frameworks in Latin America and the Caribbean, Paris, UNESCO.
- The Commission on Global Governance (1995), *Our Global Neighbourhood*, Oxford: Oxford University Press, Available at: <http://www.gdrc.org/u-gov/global-neighbourhood/>
- Dalby, Simon (2003), "Environmental Insecurities: Geopolitics, Resources and Conflict", *Economic and Political Weekly*, Vol. 38, No. 48.
- Dalby, Simon (2002), *Environmental Security*, The University of Minnesota Press.
- Dedring, Jürgen (2008), "Human Security and the UN Security Council", in Hans Gunter Brauch et al, *Globalization and Environmental Challenges: Reconceptualizing Security in the 21st Century*, New York: Springer-Verlag.
- Garner, Bryan A. (1995), *A Dictionary of Modern Legal Usage*, 2th edition, New York: Oxford University Press.
- Garner, Bryan A. (2009), *Black's Law Dictionary*, 9th edition, West Publishing Co.
- Human Development Report 1990, (1990), *Published for the United Nations Development Programme (UNDP)*, New York: Oxford University Press.
- Human Development Report 1993 (1993), *Published for the United Nations*

Development Programme (UNDP), New York: Oxford University Press.

- Human Development Report 1994 (1994), *Published for the United Nations*

Development Programme (UNDP), New York: Oxford University Press.

- Human Development Report 1995 (1995), *Published for the United Nations*

Development Programme (UNDP), New York: Oxford University Press.

- Human Rights Committee, General Comment 18, Non-discrimination (Thirty-seventh session, (1989), Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 26 (1994), para: 1 &6 &7.

- Ibrahim I. Al- Wahab (1988), *Law Dictionary*, 3th edition, Beirut, Libraire Du Liban.

- Martine, Elizabeth A. (2003), *A Dictionary of law*, 5th edition, Oxford University Press.

- Maxwell, Simon (1996), "Food Security: A Post Modern Perspective, Food Policy", No. 121.

- Mundell, R. (1998), *The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis*, Tehran: Research Institute of Strategic Studies (In Persian).

- McCormack, Tara (2007), "From State of War to State of Nature; Human Security and Sovereignty", in Christopher J. Bickerton, Philip Cunliffe and Alexander Gourevitch, *Politics without Sovereignty; A Critique of Contemporary International Relations*, London: UCL.

- Obuchi (1998), "Toward the Creation of A Bright Future for Asia," December 16.

- Saleh, Alam (2010), "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security", *Geopolitics Quarterly*, Vol. 6, No. 4, Winter.

- Scharoun K., van Caulil K., Liberman A. (2002), "Bioterrorism vs. Health Security — crafting a Plan of Preparedness", *Health Care Manag.*

- Sen, A. (1981), *Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*, Oxford Clarendon Press.

- Shahrbanou, Tadjbakhsh (2013), In Defense of the Broad View of Human Security, in: *Routledge Handbook of Human Security*.

- Shinoda, Hideaki (2007), "Human Security Initiatives of Japan", in Hans Gunter Brauch, et al, *Facing Global Environmental Change:*



Environmental, Human, Energy, Food, Health and Water Security Concepts, New York: Springer-Verlag.

- United Nations (1975), "Report of the World Food Conference", Rome 5-16 November 1974, New York.

- United Nations, A/RES/60/1, 2005 World Summit Outcome, Sixtieth Session.

- Walker, David M. (1980), *The Oxford Companion to Law*, New York: Oxford University Press.

- World Bank (1986), *Poverty and Hunger: Issues and Options for Food Security in Developing Countries*, Washington DC.

<http://www.humansecuritynetwork.org/> ;

[http://walterdorn.net/23-human-security-an-overview#t4](http://walterdorn.net/23-human-security-an-overview#t4;);

1999 Millennium Declaration, available at:

<http://www.un.org/press/en/2000/20000908.ga9758.doc.html>

http://www.mofa.go.jp/policy/human_secu/commission/

www.lse.ac.uk/internationalDevelopment/research/CSHS/humanSecurity/barcelonaReport.pdf

<http://www.humansecurity-chs.Org/Cvtivities/outreach/Frame.Pdf>.

<https://www.inquiriesjournal.com/articles/1228/the-key-drivers-of-human-security-discourse-and-the-challenge-to-realism>

<http://www.cfr.org/peacekeeping/report-un-secretary-general-agenda-peace/p23439>

- What is Economic Security? International Committee of the Red Cross, 18 June 2015, 4:03 <https://www.icrc.org/en/document/introduction-economic-security>

- Definitions: What We Mean When We Say "Economic Security, ILO Socio-Economic Security Programme, 2014, Available in: www.ilo.org/public/english/protection/ses/download/docs/definition.pdf

- The Right to Health, "Fact Sheet", No. 31, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, World Health Organization (2008). Available at: www.ohchr.org/Documents/Publications/Factsheet31.pdf

- Trade Reforms and Food Security: Conceptualizing the Linkages, Commodity Policy and Projections - Service, Commodities and Trade

Division, Food and Agriculture Organization of The United Nations,
- Rome, 2003, available at: <http://www.fao.org/docrep/005/y4671e/y4671e04.htm#TopOfPage>

- Food and Agriculture Organization (November 1996), “Rome Declaration on Food Security and World Food Summit Plan of Action”, Available at: <http://www.fao.org/docrep/003/w3613e/w3613e00.htm>

- General Comment 12, (1999), Committee on Economic, Social and Cultural Rights, the Right to Adequate Food (Article 11 of the Covenant), UN Document No E/C/12/1999/5, Available at: <http://www.refworld.org/docid/4538838c11.html>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی